

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۱، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۱۷ تا ۱۳۸

معرفی و بررسی نسخه خطی «صحیفه شاهی (تقویم المکاتیب)»

جلال دهقانی^۱، دکتر احمد ذاکری^۲



تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۲

چکیده

نسخه‌های خطی، گنجینه‌های گران‌بهای هر ملتی است. کشور ما به دلیل داشتن پشتوانه فرهنگی قوی، در این زمینه بسیار غنی است. نسخ خطی بسیاری به زبان فارسی کتابخانه‌های ایران و جهان نگهداری می‌شود. این نسخه‌ها در زمینه علوم گوناگونی نگاشته شده است. منشآت و ترسل یکی از گونه‌های رایج در تاریخ ادب فارسی و عنوان عمومی آثار و کتاب‌هایی است که دربرگیرنده منشور یا فرمان، اخوانیات، جوابیات، سلطانیات، سوگندنامه‌ها و عهدنامه‌ها، فتح‌نامه‌ها یا شکست‌نامه‌ها است. عصر تیموری یکی از درخشان‌ترین و پُرواقع‌ترین دوران منشآت‌نویسی است. در این دوره، انشاء منشآت و ترسلات گوناگون، مقیاس و معیاری برای سنجش مایه‌های سخن‌شناسی و ذوق به شمار می‌رود. منشآت صحیفه شاهی یا تقویم‌المکاتیب عنوان یکی از منشآت عصر تیموری است که به همت ملّا حسین واعظ کاشفی سبزواری دبیر و منشی دربار سلطان حسین بایقرا و مؤلف کتب بی شماری از قبیل جواهرالتفسیر، انوار سهیلی، روضه الشهدا و ... تدوین شده است. نسخه‌های خطی این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه ملک و چندین کتابخانه دیگر نگهداری می‌شود. با توجه به اهمیت ادبی و تاریخی کتاب صحیفه شاهی در این مقاله که به روش توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفته، ضمن نگارش مقدمه‌ای در تاریخ مراسلات و معرفی نسخه‌های خطی این اثر، بر احیای یکی از موارث تاریخی و ادبی کشور تأکید شده است.

کلیدواژه‌ها: ملّا حسین واعظ کاشفی سبزواری، صحیفه شاهی (تقویم المکاتیب)، منشآت، نسخه

خطی، عصر تیموری

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران. dehghan.jalal@yahoo.com

^۲ دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران. (نویسنده مسئول) ahmad.zakeri94@gmail.com

مقدمه

منشآت نویسی یا نامه‌نگاری که در گذشته به آن ترسل نیز می‌گفته‌اند، به عنوان یکی از فنون نویسندگی در گستره فرهنگ و ادب پارسی جایگاه ویژه‌ای دارد. آثار برجامانده از گذشته با عناوینی همچون مراسلات، مکاتبات، مکاتیب و رفات، علاوه بر جنبه‌های ادبی و زبان‌شناسی، فزازهایی از اوضاع تاریخی، اجتماعی و فرهنگی از آن دوران را می‌نمایاند.

منشآت در اصطلاح ادبی، مجموعه‌ای از نامه‌های دیوانی یا دوستانه است که منشی دیوانی یا کاتب غیر دیوانی نوشته باشد. منشآت به عنوان گونه‌ای از انواع ادبی از سابقه‌ای طولانی برخوردار است؛ تاریخچه این نوع نثر پارسی را می‌توان در ایران پیش از اسلام جست و جو کرد. هر چند از مکاتیب و منشآت پارسی در ایران قبل از اسلام، آثار مدون و قابل توجهی برجای نمانده است تا بتوانیم با استناد به آن آثار درباره انواع مکاتیب و ویژگی‌های مختلف ادبی و محتوای تاریخی آنها سخن بگوییم؛ اما با پژوهش در آثار مورخان ادب عربی و نویسندگان ایرانی در قرن‌های نخستین اسلامی به این نکته دریافت می‌شود که در میان انواع مختلف نثر، ترسل یا منشآت نویسی نیز با مختصات خاص فنی خود، در آن دوران رواج داشته و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که محققان و مورخان قدیم و جدید اعتقاد دارند که قواعد و مختصات آن از طریق ترجمه متون پهلوی وارد دیوان خلفا گردیده و از آن تقلید شده و در تکامل فن ترسل در زبان عربی تأثیر بسزایی داشته است. به عنوان نمونه از میان منشآت و مکاتیب پیش از اسلام می‌توان به متن کامل ترجمه شده عهد اردشیر، مکتوب انوشیروان به بزرگمهر و پاسخ بزرگمهر به انوشیروان که ابن قتیبه در عیون الاخبار آورده و یا بخشی از نامه شاپور اول در سیاست و تدبیر ملک خطاب به یکی از کارگزاران خود که در کتاب مروج الذهب توسط مسعودی نقل شده است اشاره کرد. پس از تشکیل نخستین سلسله‌های ایرانی در اوایل قرن پنجم، مکاتیب رسمی دیوانی به زبان عربی نگاشته می‌شد. بعد از حمله اعراب تا زمان تشکیل حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل ایرانی، تقریباً به مدت دو قرن از کیفیت انشاء و مکاتیب ایرانی و حتی اخوانی اطلاعات روشنی در دست نیست. از آغاز تشکیل دولت‌های ایرانی تا اوایل قرن پنجم هجری، دیوان در دربار سلاطین به زبان عربی بود و مکاتیب رسمی و دیوانی بدین

زبان نوشته می‌شد؛ چنانکه نمونه‌هایی از آن را در تاریخ یمنی می‌توان دید. از آن جمله است: مکتوب فخرالدوله دیلمی به امیر ناصرالدین سبکتگین و بخشی از نامه فخرالدوله به حسام‌الدوله به انشاء صاحب بن عباد. در کتاب چهار مقاله عروضی نیز به دو نامه به زبان عربی در دوره سامانی به انشای اسکافی، دبیر دربار سامانی، اشاره شده است.

کهن‌ترین نمونه‌های مکاتیب فارسی که از عهد اسلامی در دسترس ما است، مربوط به سده اول قرن پنجم هجری و مقارن سلطنت مسعود غزنوی است. از این دوره چند مکتوب به انشای ابونصر مشکان، صاحب دیوان رسالت محمود غزنوی، در تاریخ بیهقی باقی مانده است. پس از آن شکست‌نامه مسعود غزنوی از سلاجقه در نزدیکی مرو به انشای ابوالفضل بیهقی، که در کتاب تاریخ وی مذکور است.

از آثار برجسته دیگر در قرن ششم می‌توان به کتاب التوسل إلى التوسل اشاره کرد که این کتاب مجموعه منشآت است به قلم بهاءالدین محمد بن مؤید بغدادی، منشی و رئیس دیوان رسائل علاءالدین تکش خوارزمشاه، نوشته شده است. از میان مکتوبات و نامه‌نگاری‌های بسیار مهم قرن هفتم می‌توان به مکتوبات مولانا جلال‌الدین محمد بلخی اشاره کرد و از دیگر منشآت این دوران، نامه‌های خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، مورخ و ادیب و وزیر غازان خان، است. از قرن هشتم هجری به بعد کاتبان و منشیان اقبال درخوری به انشاء و ترسل داشتند و دوره تیموری را می‌توان یکی از درخشان‌ترین ادوار منشآت‌نویسی به حساب آورد. از مجموع منشآت تألیف شده در دوره تیموری می‌توان به ریاض‌الانشاء، اثر خواجه عمادالدین محمود گاو، مطلع‌السعدین تألیف کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، همایون نامه تألیف محمد بن علی بن جمال‌الاسلام و رقعات جامی اشاره کرد.

«شیوه نگارش ترسلات دیوانی و مناشیر عهد تیموری، دنباله همان سبک نامه‌نگاری دوره مغول بوده است.» (بهار، ۱۳۸۶: ۱۹۶)

انواع منشآت فارسی

الف) سلطانیات: عنوان یا سرنامه یا آغاز که در اصطلاح عبارت بود از تعیین مرتبه هر فرد از افراد ملوک و سلاطین و امرا و وزرا و اکابر و اصاغر و اعیان و معارف و غیره و تحریر

و تقریر القاب و دعا و خطابی که ملایم و موافق حال و فراخور قدر و وضع ایشان باشد.

ب) منشور یا فرمان: مکتوب رسمی بوده است که از دیوان رسائل جهت واگذاری مناصب دیوانی، دینی، علمی و غیره؛ مانند: وزارت یا امارت، سپهسالاری، قضاوت و یا واگذاری اقطاع صادر می شده و به توفیق سلطان می رسیده است.

ج) اخوانیات: به نامه‌هایی گفته می شود که گروه‌های مختلف مردم به یکدیگر می نوشتند.

د) سوگندنامه و عهدنامه: عهدنامه میان پادشاهان و ملوک اطراف مبادله می شد و سوگندنامه از سوی پادشاهان به ملوک و امراء و دیگر ارکان دولت که سرکشی و طغیان کرده و سپس در اطاعت سلطان درمی آمدند و مورد عفو قرار می گرفتند، فرستاده می شد.

ه) فتح نامه و شکست نامه: فتح نامه مکتوبی بوده که پس از فتوحات بزرگ در دیوان رسائل نوشته می شد و از سوی سلاطین به ولایات و ممالک اطراف ارسال می گشت.

شکست نامه نیز مکتوبی رسمی بود که در هنگام ضرورت و معمولاً برای درخواست کمک یا آگاهی خطاب به حکمرانان و سلاطین سایر کشورها و به ندرت به اطراف مملکت و حکام داخل کشور ارسال می شد. تقسیمات یاد شده مربوط است به (عَلّامی، ۱۳۹۲: ۳).

با بیان توضیحاتی در باب فن ترسل و سیر تطوّر و تحوّل آن از آغاز و معرفی آن، ضروری است که به معرفی نسخه خطی صحیفه شاهی به عنوان یکی از نسخ ارزشمند به جامانده از دوران تیموری پرداخته شود و ظرایف و دقایقی از مختصات رسم الخطی و فنی این اثر بازگو شود.

پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ تصحیح و بررسی بر روی نسخه خطی «صحیفه شاهی» صورت نگرفته است. البته یک چاپ سنگی از این نسخه موجود است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود و در سال ۱۲۵۶ هجری قمری، در مطبع منشی نول هندوستان به چاپ رسیده است.

ضرورت پژوهش

چون هر سه نسخه موجود از این کتاب دارای نواقص و خوانش‌های مختلف در پاره‌ای موارد هستند، ناگزیر از تصحیح است تا متن حقیقی و اصلی آن به دست آید. برای نمونه از هر سه نسخه موردی ذکر شده و سپس صورت تصحیح شده آن منظور شده است:

الف) «زهی وارث تخت کیخسروی به بازوی تو شست دولت قوی» (صحیفه شاهی، نسخه مجلس شورای اسلامی: ۱۰)

همانگونه که ملاحظه می‌شود ترکیب «شست دولت» در این بیت، ترکیب صحیحی نیست؛ زیرا از تیر و تیراندازی سخنی به میان نیامده است؛ بنابراین ترکیب صحیح و دقیق «پشت دولت» است که در فرآیند تصحیح جایگزین گردید.

ب) «بخت بیدار هم عنان تو باد تیر بدخواه بر سنان تو باد» (صحیفه شاهی، نسخه دانشگاه تهران: ۴۸)

کاربرد «تیر» در بیت وجهی ندارد؛ به جهت اینکه تیر بدخواه بر سنان قرار نمی‌گیرد، اما واژه «سر» با توجه به محتوای بیت، معنای صحیح تری برقرار می‌سازد: [الهی] سر دشمن تو بر سرنیزه ات باشد.

ج) «دلم که هست مقیم جناب عالی تو یقین که صورت احوال من کند اعلام» (صحیفه شاهی، نسخه چاپ سنگی: ۷۱)

صورت تصحیح شده بیت بر اساس نسخه اساس:

دلم که هست مقیم جناب عالی تو یقین که صورت حال رهی کند اعلام

روش پژوهش

در تصحیح متون روش‌های مختلفی نظیر: تصحیح انتقادی، تصحیح قیاسی، تصحیح بر اساس نسخه اساس، تصحیح التقاطی، تصحیح ذوقی به کار گرفته می‌شود. شیوه تصحیح نسخه خطی صحیفه شاهی یا تقویم‌المکاتیب، بر اساس شیوه نسخه اساس صورت گرفته است؛ بدین معنا که از میان نسخه‌های خطی موجود، یک نسخه (نسخه نگهداری شده در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۵۱۱۹) که به نوعی قدیمی‌ترین و صحیح‌ترین نسخه موجود تشخیص

داده شد، نسخه اساس قرار گرفت و پس از استنساخ به شیوه توصیفی تحلیلی، آن را با سایر نسخه بدلها مقابله کردیم و اختلافهای نسخه اساس و نسخه بدلها را در پاورقی درج کردیم.

مبانی تحقیق

کمال الدین ملّا حسین واعظ کاشفی، در نیمه اول قرن نهم هجری در شهر سبزوار به دنیا آمد. (مدرّس تبریزی، ۱۳۲۶، ج ۵: ۱۲۹) «اگر چه در مورد تاریخ ولادت کاشفی، نویسندگان این دوره و حتی فرزندش، فخرالدین علی صفی، سکوت اختیار کرده‌اند.» (حضرتی، ۱۳۷۷: ۱۲۵) اما خواندمیر زمان وفاتش را گزارش کرده و نوشته: «چون مقتضای اجل موعود رسید، فی سنه عشر و تسع مائه، مهر سکوت بر لب زده، عالم آخرت را منزل ساخت.» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۷: ۲۷۷)

ملّا حسین تحصیلات اولیه خود را در سبزوار طی کرد و پس از مدتی آن شهر را به قصد نیشابور و مشهد ترک کرد و چنانکه پسرش فخرالدین علی صفی در کتاب «رشحات عین الحیات» نوشته: در ماه ذی الحجّه سال هشتصد و شصت هجری در مشهد (بر اثر خوابی که دیده بود) به هرات رفت و در آن جا به وعظ پرداخت و بعدها در خدمت امیر علیشیر نوایی مکان و مرتبتی بسیار ارجمند یافت. (فخرالدین کاشفی، ۱۳۵۶، ج ۵: ۱۴۴) او در دستگاه تیموریان با حکم ابوسعید تیموری، سمت «قاضی القضاة شریعت» در منطقه بیهق را داشته‌است. (نظامی باخرزی، ۱۳۵۷: ۱۱۶) و با مبانی سیاست آشنا شده بود. کاشفی پس از مدتی از قضاوت کناره‌گیری کرد. (ناصری داوودی، ۱۳۷۸: ۱۵۵) و سلطان حسین بایقرا هم در نامه‌ای ضمن پذیرش استعفا، او را ستود و خطاب به مردم نوشت: «بنابر تقریر این آثار در بلده فاخره سبزوار و سایر مواضع ولایت بیهق، چون حکومت قضایای شرعیه را از مشارالیه اعلی و الیق نبود...» (نظامی باخرزی، ۱۳۵۷: ۱۱۶) حسین کاشفی در برخی از ایام سال از هرات به زادگاه خود، سبزوار و اطراف آن از جمله نیشابور می‌رفت و به وعظ و خطابه و ذکر مصیبت اهل بیت می‌پرداخت. (ناصری داوودی، ۱۳۷۸: ۱۵۵) خواندمیر در مورد کاشفی نوشته است: «در علم نجوم و انشاء بی مثل زمان خود بود و در سایر علوم نیز با امثال و

اقران دعوی برابری می‌کرد... مصنفات مولانا کمال‌الدین حسین بسیار است و آثار خامه بلاغت آثارش بی‌شمار.» (خواندمیر، ۱۳۷۹: ۲۱۸) بنابراین می‌توان گفت کاشفی از جمله مؤلفان پُرکار و واعظان معروف قرن نهم و دهه آغازین قرن دهم است که وسعت اطلاعات و توانایی وافرش در تألیف و تصنیف، وی را در شمار نویسندگان پُرآوازه فارسی قرار داده است.

آثار واعظ کاشفی سبزواری :

جواهرالتفسیر لتحفه‌الأمیر: تفسیری است عرفانی و حروفی از قرآن، که اواخر قرن نهم قمری در هرات نوشته شده است. «این اثر اولین و آخرین تفسیر قرآن با گرایش به استفاده از علم حروف و اعداد است.» (عبّاسی، ۱۳۷۸: ۸۵)

مواهب علیّه: تفسیر کامل ولی مختصری از قرآن است. «کاشفی در مقدمه مواهب علیّه می‌نویسد که چون فرصت نیافت چهار جلد جواهرالتفسیر را به اتمام برساند، تصمیم گرفت مختصری از همه قرآن را از نو تألیف کند.» (عبّاسی، ۱۳۷۹: ۶۴)

روضه‌الشهدا: مقتلی است درباره سرگذشت امام حسین (ع) و وقایع کربلا، که در ده باب و به سال ۹۰۸ هجری قمری تألیف شده است. تمرکز کتاب بر روی واقعه کربلا است ولی ابوابی از آن به شرح مصائب سایر انبیا و امامان شیعه پرداخته است.

انوار سهیلی: بازنویسی کلیده و دمنه است. «کتاب در چهارده فصل، به سفارش امیر نظام‌الدین شیخ احمد سهیلی نوشته شده و به او نیز تقدیم شده است.» (همان: ۳۳۱)

مخزن‌الانشا: درباره ارکان و فنون نامه‌نگاری است که به سال ۹۰۷ هجری قمری به نام سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی تألیف شده است. «همان: ۲۹»

اخلاق محسنی: درباره اخلاق است. خواندمیر، این اثر را در زمرة هفت اثر مشهور کاشفی در خلال حیاتش دانسته است و یان ریپکا آن را سومین اثر مشهور در زمینه اخلاق به فارسی برمی‌شمارد. «همان: ۷۲»

سبعة کاشفه: هفت رساله مستقل درباره نجوم احکامی (در مقابل نجوم ریاضی) است.

مرقی کتاب صحیفه شاهس و نسخه های خطی آن

در ترسلمات و منشآت عهد تیموری گاه در مقدمات کتب و خطبه ها و فواتح فصول، تشبیهاتی به سبک گذشته می نویسد که از لحاظ سجع مقداری تشابه به قدیم دارد اما از حیث جزالت و انسجام در مرتبه پایین تری قرار می گیرد. استدلال و تمثیل به ندرت در آثار این دوره دیده می شود و متن کتاب گاهی دارای سستی و رکاکت است. نکته بدیع و تازه ای که در منشآت و مکاتیب این دوره دیده می شود استفاده از القاب و عناوین متعدد و پرچانگی ها و شیوه اطناپ در مدح و چاپلوسی است که نویسندگان در اوایل کتاب یا خطبه در تشبیب فصول درباره ممدوح رعایت میکنند.

صحیفه شاهس یا تقویم المکاتیب عنوان رساله ای است که ملا حسین واعظ کاشفی سبزواری در تاریخ ۹۰۷ هجری قمری در آیین و روش نامه نگاری (منشآت) به شیوه مجداول تألیف کرده و به عبدالمحسن میرزا و سلطان حسین بایقرا اهدا نموده است. کاشفی این رساله پُر بها را در واقع از کتاب «مخزن الإنشا»ی خود گزینش کرده و در هشت «عنوان» و سه «صحیفه» و «خاتمه» نگاشته است. از این کتاب نسخه هایی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دانشگاه تهران، کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی قم و یک نمونه چاپ سنگی نیز در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی موجود است که در زیر معرفی شده اند:

نسخه مجلس شورای اسلامی (نسخه اساس): به شماره ۵۹۱۱، نسخه ای خوش خط به خط نستعلیق در ۱۱۳ برگ؛ یعنی ۲۱۶ صفحه و هر صفحه در حدود ۲۰-۲۵ سطر و با ابعاد و اندازه ۲۳×۱۷ کتابت شده است. تمامی صفحات نسخه مذکور از هرگونه سرلوح، تصویر و تذهیب خالی بوده و نویسنده از دو مرکب سیاه و قرمز برای نوشتن مطالب بهره برده است. تمامی کاغذهای این نسخه از نوع سمرقندی شکری و جلد آن تیماج عنابی است.

این نسخه دارای رکابه است و عدم وجود ترقیمه مانع از شناخت کاتب آن شده است. کاتب این نسخه، گاهی در پایین هر برگ واژه اول برگ بعدی را نوشته است یا به عبارتی از واژه پیوند (رکابه یا تعقیبه) برای توالی برگ ها استفاده کرده است. قبل از تضمین مصراع یا ابیات معروف در نثر حرف «ع» یا واژه های مصراع، بیت، نظم و شعر را آورده و به این طریق بخش های منظوم را مشخص کرده؛ اما در بعضی قسمت ها نیز از این واژه ها استفاده

نکرده و شعر و نثر را به هم آمیخته است. لازم به ذکر است که در سرتاسر این کتاب، مؤلف در نامه‌های نگاشته شده، به جای استفاده از نام مخاطب یا ممدوح حرف «ف» را به کار برده که کنایت از لفظ «فلان» است. اندکی حاشیه‌نویسی و تصحیح بعضی از کلمات در حاشیه و البته افتادگی برخی مطالب کتاب به دلیل آلوده شدن به آب و گل و وجود اغلاط املائی از دیگر ویژگی‌های این نسخه خطی است.

نسخه دانشگاه تهران: به شماره ۵۲۲۵؛ نسخه‌ای خوش خط به خط نستعلیق، که در قرن ۱۰ و ۱۱ کتابت شده است. این نسخه در ۱۱۸ برگ، یعنی ۲۲۶ صفحه به صورت مختلف السطر و در اندازه ۲۸×۱۸/۵ نوشته شده است. داشتن سرلوح زرین از ویژگی‌های این نسخه است. تمامی کاغذهای این نسخه خطی از نوع سپاهانی و جلد آن تیماج حنایی است. کاتب این نسخه نیز نامشخص است و نویسنده فقط از مرکب سیاه رنگ برای نوشتن مطالب بهره برده است. این نسخه در بخش خاتمه اندکی افتادگی دارد و نسبت به نسخه اساس، نسخه ناقص‌تری است.

نسخه آیت الله مرعشی: به شماره نسخه ۶۷۸۷، به خط نستعلیق به صورت مجداول در ۷۵ برگه؛ یعنی ۱۵۰ صفحه و هر صفحه به ابعاد ۳۶×۲۳ به خط کاتبی نزدیک به عصر مؤلف نوشته شده است. جلد این نسخه از چرم سرخ است. بخش‌های زیادی از صحیفه دوم و سوم این نسخه به دلیل آلوده شدن به آب و گل افتاده است.

چاپ سنگی: در قطع وزیری، ۲۵۰ صفحه؛ گانپور: مطبع منشی نول کشور، ۱۲۵۶. این چاپ سنگی به شماره ۱۲۷۶۷ در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

بحث

ساختار کتاب صحیفه شاهی و بررسی محتوای آن

این کتاب مشتمل بر دیباچه، عنوان، سه صحیفه و خاتمه است که در ادامه به هریک از این موارد به صورتی جداگانه پرداخته می‌شود. دیباچه در حمد و ثنای باری تعالی و نعت پیغمبر و مدح و ستایش سلطان وقت است.

«ای بنامت صحیفه شاهی
نقش نام تو زیب خامه من
شده منشور ماه تا ماهی
نامور از تو گشت نامه من

عنوان نامه فصاحت نام خجسته فرجام مالک الملکیست که به منطوق «توتی المُلک مَن تَشَاءُ» صحیفه شاهی و دارایی به قلم کرامت رقم منشی دیوان قدرش مرقوم و مزبورست و به فحوای «وَاللّٰهُ يُؤْتِي مَلِكًا مِّنْ يَّشَاءُ» سلطنت و فرمان فرمایی به خامه لطافت شمامه دبیر دفترخانه حکمتش محرر و مسطور.

هر نامه که افضل الکلام است
عنوان صحیفه هاست نامش
از زیور نام او تمام است
سرنامه نامه‌ها کلامش
و دیباچه دفتر بلاغت بیان صفات معالی سمات رفیع القدریست که منشور لامع النور واضح الجبور اعجازش به طغرای غرای فأتو بعشر سور موشح است و مثال رسالت ختمیت طرازش به تویق رفیع ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ مزین و مرشح... (صحیفه شاهی، نسخه مجلس شورای اسلامی: ۱)

مؤلف در این دیباچه در باب تألیف کتاب چنین می‌گوید: «...اشارات ملهم غیب از بشار تخانه لاریب به فقیر حقیر حسین بن علی الواعظ الكاشفی أسعده الله تعالى بِاللُّطْفِ الْخَفِيِّ رسید که جوهری چند پاکیزه و دل‌پسند از آن مخزن ارجمند به رشته تألیف در سلک ترتیب و ترصیف کشیده به معرض خدام لازم الاحترام حضرت شاهزاده عالمیان زیور بسیط زمین و زینت صحیفه زمان... درآرد که ذهن وقادش صرافان بازار سخنوری را محکیست قابل و طبع نقادش جوهریان عرصه هنرپروری را میزانیست کامل؛ بنابراین معنی خلاصه نقود مخزن و نقاوه نفایس آن را در دُرُج این رساله درج کرد و از ابیات عربی و فارسی و فقرات خطابی و جوابی آنچه احسن و اشهر بود ایراد نمود و احوالی را که ثبت آن در مکاتیب از جمله ضرورات است به حیّز تحریر درآورد شاید که به نظر قبول حضرت سلطنت پناهی معزز گشته سبب سرافرازی این شکسته شود...» (همان: ۲)

عنوان

در این بخش مؤلف، ضروریات کتابت و مواردی را که بایسته کاتب است بیان می‌کند. «در

بیان آنچه کاتب را ضرورت است: متصدی کتابت رسایل باید که از وقوف بر علوم عربیه و ادبیه عاری نباشد تا ترکیب کلامش منتظم و ترتیب سخنش به جزالت متّصف و متّسم بود و اشعار فارسی و عربی مطالعه نماید و ابیات لایق جهت ایراد در موارد معینه حفظ فرماید و از احوال و اخبار هر فرقه واقف و به مراتب طبقات هر فرقه عارف باشد تا به حکم «أَنْزَلَ النَّاسَ مَنَازِلَهُمْ» از عهده تعریف هر کس مناسب حال وی بیرون تواند آمد؛ و محلّ ایجاز و موقع اطّناپ را بشناسد تا سخن بر مقتضای حال مؤدّی گردد و با غیر بلغا و فصحا شیوه بلاغت و فصاحت نورزد و با فضلا و ادبا به عبارات و الفاظ غیر فصیحه مخاطبه و مکاتبه نماید تا طریقه کَلِّمُوا النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ رعایت نموده باشد.» (همان: ۳)

متن اصلی کتاب، شامل سه صحیفه

صحیفه اولی در خطابیات؛ و آن مشتمل بر دوازده سطر است:

سطر اول، در افتتاح؛ سطر ثانی از صحیفه اولی، در بیان صفات منثوره و منظومه؛ سطر ثالث از صحیفه اولی، در القاب؛ سطر رابع از صحیفه اولی، در ذکر ادعیّه؛ سطر خامس از صحیفه اولی، در ذکر کاتب؛ سطر سادس از صحیفه اولی، در ادای تحیات؛ سطر ثابع از صحیفه اولی، در بیان عرض اخلاص؛ سطر ثامن از صحیفه اولی، در شوقیات؛ سطر تاسع از صحیفه اولی، در بیان تاریخ کتابت؛ سطر عاشر از صحیفه اولی، در ذکر مکان کتابت؛ سطر حادی عشر از صحیفه اولی، در اختتام؛ سطر دوازدهم از صحیفه اولی، در عنوان مکاتیب

صحیفه ثانیه در جوابیات، و آن مشتمل بر هفت سطر است:

سطر اول، در افتتاح؛ سطر دوم از صحیفه ثانیه، در بیان مقدمه؛ سطر سوم از صحیفه ثانیه، در تعظیم مکتوب؛ سطر چهارم از صحیفه ثانیه، در تعظیم مکتوب؛ سطر پنجم از صحیفه ثانیه، در بیان نتیجه؛ سطر ششم از صحیفه ثانیه، در مقابله؛ سطر هفتم از صحیفه ثانیه، در شکر

صحیفه ثالثه در آن چه در نامه نویسند، و آن مشتمل بر سه سطر است:

سطر اول از صحیفه ثالثه، در ملتسمات کلیه؛ سطر ثانی از صحیفه ثالثه، در اعتذارات؛ سطر ثالث از صحیفه ثالثه، در شکرگزاری بر اصناف رعایت و انواع مواجب

خاتمه

خاتمه، در ذکر شکرگزاری و ستایش و نیایش. نمونه ای از پایان کتاب؛
 «الطاف بیکران و اعطاف بی پایان که جناب کرامت انتساب به هروقت و زمان درباره این
 بیچاره فرموده و می فرمایند مقتضی آن است که آن مقدار که از ایام حیات باقی مانده صرف
 شکرگزاری نماید و بقیه‌العمر بر ادای ثنا و سپاس داری مواظبت کند، و اگر توفیق بر این
 معنی رفیق گردد، حقاً که از عهده یکی از هزار بیرون آمدن تعذری تمام و تعسری لا کلام
 خواهد داشت.» (همان: ۲۲۰)

«ادای سپاس جلایل نعما و جزایل آلاهی مخدومی اگر متّصف به صفت تعذّر و متّسم به
 سمت تعسّر است اما بر السنه ارباب تحقیق و اصحاب تصدیق این نکته مذکور و در
 صحایف سالکان مسالک تصوّف و ناهجان مناهج تعرّف این سخن مسطور است که شعور
 بر قصور از اقامت مراسم شکر غایت شکر می تواند بود العجز عن الشکر تمام الشکر؛ تمت
 بَعون الله.

زبان به شکرگزاری گشاده‌ام اما نمی توانم از آن عهده آمدن بیرون
 (همان: ۲۲۱)

ویژگی های رسم الخطی نثر کتاب

- اتصال حرف «به» به کلمه بعدی، مانند: به منطوق = بمنطوق، به اسلوبی = باسلوبی، به
 میامن = بمیامن، به رشحات = برشحات، به رای = برای
- نوشتن «گ» فارسی به صورت «ک»، مانند: گاه = کاه، کشورگشایی = کشورکشایی،
 روزگار = روزکار، دیگر = دیگر، یگانه = یکانه، دستگاه = دستگاه، گهر = کهر، بارگاه = بارگاه
- حذف الف فعل ربطی «است» هنگام همراهی آن با کلمه قبلی، مانند: او است = اوست،
 میزانی است = میزانیست، متعذّر است = متعذّرت، مقصور است = مقصورت، رفعت
 است = رفعتست
- آوردن حرف «و» که در برخی کلمات به صورت «آ» تلفظ می شود، مانند: حیات = حیاه،
 صلوات = صلاه، زکات = زکوه
- نگارش الف همزه دار (أ) به صورت «اء»، مانند: منشأ = منشاء، تألیف = تاءلیف، تأکید =

- تاءکید، مأمول=ماءمول، رأفت=راءفت، تأثیر=تاءثیر، تأیید=تاءیید
- آوردن کلمات مختوم به تاء(ت) به صورت «ه»، مانند: جهت=جهه، غایت=غایه، ارادت=اراده، ابهت=ابهه
- استعمال واژه های «دوم» و «سوم» به ترتیب به شکل «دویم» و «سِیم».
- استفاده از «ی» به جای همزه روی کرسی «ی» مانند: ائمه=ایمه، شوائب=شوایب
- نوشتن حرف «ج» به صورت «ج»، مانند: چنان=جنان، چهره=چهره، دیباچه=دیباجه، چون=جون، آنچه=آنجه، چشم=جشم، چهار=جهار
- اتصال حرف «را» در برخی موارد به کلمه قبل از خود، مانند: قدسیان را=قدسیانرا، ایشان را=ایشانرا، فلان را=فلانرا
- استفاده از «ء» به جای «ای» در کلمات مختوم «ه» مانند: شیوه ای=شیوه، طایفه ای=طایفه، طریقه ای=طریقه، نکته ای=نکته
- استفاده از همزه «ء» به جای «ی» میانجی در میان ترکیب های وصفی و اضافی، مانند: مبانی دین=مبانیءدین، ایادی اهتمام=ایادیءاهتمام، سرافرازی این شکسته=سرافرازیء این شکسته
- حذف «ه» در کلمات مختوم به «ه/ه» هنگام جمع بستن، مانند: نامه ها = نامها، صحیفه ها = صحیفهها، گفته ها = گفتهها، غوطه ها = غوطهها
- حذف الف قید اشاره «این» در هنگام اتصال به کلمه قبلی، مانند: براین = برین، در این = درین، ازین = ازین، برآن = بران

خصایص دستوری کتاب

حذف فعل به قرینه لفظی

«قواعد ایالت و جهانبانی و مبانی جلالت و کامرانی به میامن معدلت ف ممهد و مضبوط باد و ظلال نوال عاطفت بی کران و مرحمت بی پیاانش بر مفارق اماجد و اعالی ممتد و مبسوط.» (همان: ۱۶) «لوح ضمیر با روح ف مرقوم به ارقام اعلام دقایق باد و صحیفه خاطر عاطرش محل نقوش و صور حقایق.» (همان: ۳۰)

حذف فعل به قرینه معنوی

ای ذروه معارج شاهی مکان تو
وی بوسه جای تاجوران آستان تو
(همان: ۱۲)

مطابقت صفت و موصوف بر طبق دستور عربی

«ریاض زاهره سیادت و حدایق باهره ولایت به رشحات نظرات...» (همان: ۲۲) «نفایس افکار و عرایس ابکار ف زیب نگارخانه اشعار باد و ...» (همان: ۳۰) «فواید انفاس مبارکه و عواید آفات متبرکه ف سبب استرواح قلوب طالبان مناهج طریقت باد.» (همان: ۲۵)

استفاده از افعال وصفی

«... و این طبقه به هفت عدد منقسم شده؛ سیم: اوسط، و این طبقه بر چهار قسم قرار یافته... طبقات را سه نوع افتتاح به نظر رسیده.» (همان: ۱۰)

ویژگی های سبکی نثر کتاب

از جمله ویژگی های سبکی این اثر به طور مختصر به موارد زیر می توان اشاره کرد:

وفور لغات و عبارات عربی

فراوانی به کارگیری لغات و تعبیرات عربی از ویژگی های شاخص این کتاب به شمار می آید: «طوامیر قواعد کفایت و دفاتر قوانین درایت به انامل اهتمام ف مزبور و محرر باد و صفای مشارع مسرات و مشارب خیرات و مبرآت در ایصال حقوق به ارباب استحقاق بر اهتمام تماش مقرر و مقرر.» (همان: ۲۰)

«نور الله قلوب المستفیدین باشراق انواره و قدر تکمیل نفوس المستعیدین بنتایج ابکار افکاره.» (همان: ۵۰)

استفاده از مصراع ها و ابیات و جملات عربی

گذشته از لغات و عبارات عربی در متن منشآت صحیفه شاهی از ابیات عربی فراوان بهره برده شده است به طوری که حتی برخی از صفحات کتاب را به کلی ابیات یا عبارات عربی

تشکیل می دهند.

«ضمیر پاک منیرت گواه حال من است

فَأَقْرَهُ صَحِيفَهُ قَلْبِي وَأَنْظُرُ الْأَثْرَا»

(همان: ۷۶)

«الصَّاحِبُ لَصَدْرِ الَّذِي هُوَ فِي الْوَرَى

أُولَى بَاخِرَازِ الْمَنَاقِبِ وَالْعُلَى

الصَّاحِبُ الصَّدْرِ الْهَمَامِ الْكَامِلُ

وَالْمَنْعَمُ الْعَطُوفِ الْعَادِلُ»

(همان: ۱۰۴)

«مولى الأنام متبوع أهل الإسلام فى الأيام، امام أهل الطاعة و الاطاعه ناصب رايات المساعى

فى اقامه الجماعة مقتدى الأمم مثبت الحقوق فى الذمم.» (همان: ۱۲۱)

اقتباس و تضمین آیات و احادیث و امثله عربی

مؤلف در این کتاب، از آیات و احادیث به عنوان استشهاد سخن و یا برای درج و حل در کلام استفاده کرده است.

«شجرات ثمرات نقابت و اغصان بوستان سیادت و نجابت به رشحات سحاب عواطف و

افاضات امطار عوارف ف به صفات علیه «أصلها ثابت» و فرغها فى السماء» و سمات بهیه

«تؤتى أكلها كل حين» ابدأ موصوف و موسوم باد.» (همان: ۲۲)

«متصدى کتابت رسایل باید] با غیر بلغا و فصحا شیوه فصاحت و بلاغت نورزد و با

فضلا و ادبا به عبارات و الفاظ غیرفصیحه مخاطبه و مکاتبه ننماید تا طریقه «كلم الناس على

قدر عقولهم» رعایت نموده باشد.» (همان: ۹)

«وَأَنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ» به مطابقت زمره ابرار و موافقت فرقه «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ»

بر ادعیه دوام ایام سعادت انجام مواظبت نموده و می نماید.» (همان: ۱۴۹)

«این آشنایی به حکم الأرواح جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا اِتَّخَفَ، نَتِيجَةُ تَعَارَفِ اِزْلِی و

تألف میثاقی است.» (همان: ۸۶)

استفاده از مصراع و ابیات فارسی

نویسنده علاوه بر اشعار عربی از مصراعها و ابیات فارسی نیز در جای جای کلام خود

بهره فراوان برده است.

«ای طبع گهر سنج تو میزان سخن
حقاً که نثار بارگاه تو سزد
پیوسته دل تو تازه از جان سخن
هر جا گهری برآید از کان سخن»
(همان: ۲)

«قسم به جان تو خوردن طریق عزت نیست
که همچو تشنه گرمزده به آب زلال
به خاک پای تو وین هم عظیم سوگندست
دل به دیدن روی تو آرزومندست»
(همان: ۱۵۸)

به کارگیری فراوان آرایه های بدیعی و بیانی؛ نظیر: سجع و مقارنه، تناسب، تشبیهات
عقلی به حسّی و ...

«دوچه روضه کشورگشایی و اغصان بوستان فرمان روایی به رشحات سحاب معدلت
عالم آرایی «ف» تازه و نامی باد و حضرت ملک الملکش به حمایت عنایت از طروق حوادث
زمان و حدوث طوارق دوران حارس و حامی.» (همان: ۱)
«ریاضت سلطنت زاهره و حدایق ابهت باهره» «ف» به نسّمات گلزار سعادت جاودانی و
نفحات شاخسار نیل آمال و امانی ناصر و نامی باد و حضرت ذوالجلال ذات بی همالش را
در حصن عصمت شامله از همه آفات و مخافات حارس و حامی.» (همان: ۱۵)

اطناب

به طور کلی، مشخصه بارز همه منشآت در این عصر محسوب می شود. واعظ کاشفی
سبزواری نیز در اکثر نامه های خود سعی کرده است مکتوب را به تناسب موضوع به شیوه
اطناب و با استفاده از الفاظ و عبارات مختلف و مترادفات و تمثیلات و تشبیهات و
تسجیعات موازنه ای و مقارنه ای به درازا بکشد.

آوردن القاب و عناوین و نعت

که رکنی اساسی در منشآت و ترسّلات این دوره محسوب می شود و به شیوه ای مبالغه آمیز
برای تکریم مخاطب نامه و ممدوح قبل از نام اصلی می آید.

«شهنشاه مالک رقاب سپهر قدر خورشید رکاب، قطب فلک بختیاری مرکز دایره جهانداری، طراز کسوت سلطنت و فرمان روایی، نگین خاتم عظمت و کشورگشایی...» (همان: ۸۹)

«مولانا الْمُعْظَمُ مَجْمَعُ الْعُلُومِ وَ الْحِكْمِ، مَحْرَمُ الْأَسْرَارِ الْفَلَكِيَّةِ، مَهْبِطُ الْأَنْوَارِ الْمَلَكِيَّةِ الْعَارِفِ بِأَوْضَاعِ الْأَفْلَاكِ الدَّائِرَاتِ الْوَاقِفُ عَلَى حَرَكَاتِ النَّيِّرَاتِ السَّائِرَاتِ نَاطِمُ الْبَدَائِعِ الْهَرَمِسيَّةِ جَامِعِ النَّفَائِسِ الْهِنْدِسيَّةِ.» (همان: ۱۲۳)

دعوات

از مشخات بارز منشآت و ترسل است که اغلب به طرزی مبالغه آمیز با مضمون دعای تندرستی و کامرانی به جانب ممدوح، ذکر می شود. دعوات بخش وسیعی از متن منشآت صحیفه شاهی است که کاشفی سبزواری به تناسب مخاطب، نگاشته و به جانب وی عرضه می دارد که اغلب دعاها شریطه تابیدی است.

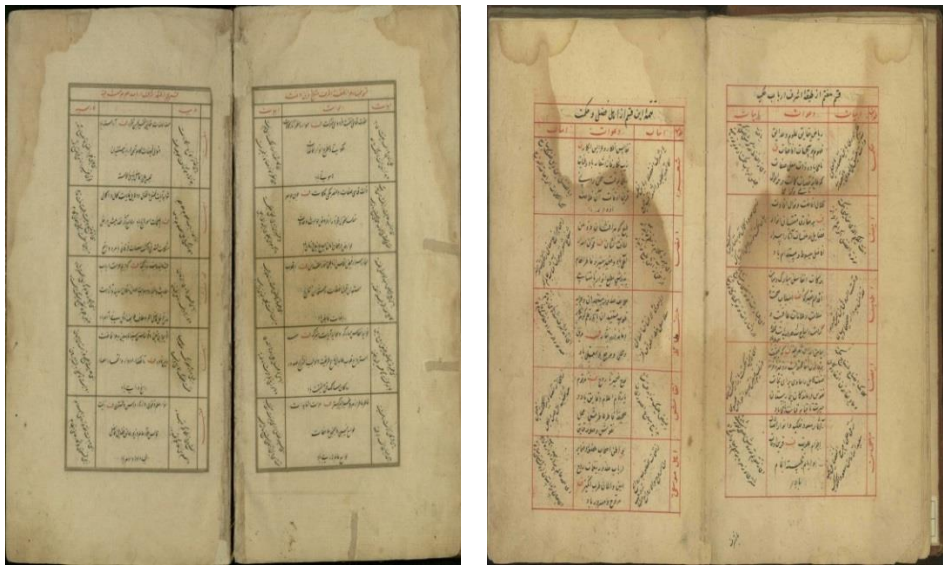
«کواکب مواکب جاه و جهانداری و ثواقب مراتب سلطنت و بختیاری از افق معدلت و کامگاری و ذروه ابهت و شهریاری» «ف» تابنده باد و سایه رأفت و عاطفتش بر مفارق کافه انام تا قیام ساعت و ساعت قیام مؤبد و پاینده.» (همان: ۱۴)

«تواتر اسباب شادمانی و تعاقب آثار کامرانی به جناب» «ف» علی الدوام باد و سایه شرفش مدی الأيام ممدود و مستدام.» (همان: ۳۳)

استفاده از کلمات مغولی و ترکی

لغات قبایل مختلف ترک و مغول در قرن هفتم و هشتم به زبان فارسی راه یافته یود. در دوره تیموری و شاهرخی سرعت رشد لغات ترکی بیشتر شده به گونه ای که ترکی گویی و ترکی نویسی با تشویق شاهان و بزرگان این عهد همراه می گردد. کاشفی سبزواری در کتاب صحیفه شاهی نیز هم چند سایر نویسندگان این عصر، از واژگان ترکی و مغولی در بخشی از مکاتیب خود بهره جسته است که در زیر به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

تواچی (محاسب)، ایلچی (فرستاده و سفیر)، یساول (رئیس تشریفات، ملازم)، قشون (ارتش)، چپاول (غارت).



نمونه‌ای از نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی نمونه‌ای از نسخه خطی دانشگاه تهران

نتیجه

منشآت صحیفه شاهی بر اساس سه نسخه تصحیح شده‌است. نسخه اساس متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است. این نسخه با شماره ۵۹۱۱ به علت تقدم تاریخی کتابت اثر و البته کم غلط بودن، نسخه اساس انتخاب شده است. هدف از تصحیح صحیفه شاهی احیای این اثر گران قدر است که در آشنا ساختن پژوهشگران امروز و فردا با اصول ترسل و دقایق و ظرایف آن در عصر تیموری اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا نامه‌های نگاشته شده در موضوعات مختلف، بنا به موقعیت اجتماعی مخاطبان می‌تواند در شناخت احوال و اوضاع اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی نویسنده مؤثر باشد. همچنین این اثر از لحاظ ادبی و دارا بودن اطلاعات وسیعی درباره علایم و اصطلاحات نگارش برای محققان متون کهن پارسی بسیار ارزشمند است.

منابع:

۱. بهار، محمد تقی. (۱۳۸۶). سبک شناسی، ج ۳، تهران: زوآر.
۲. خطیبی، حسین. (۱۳۸۶). فنّ نثر در ادب پارسی، ج ۳، تهران: زوآر.
۳. خواند میر، غیاث‌الدین. (۱۳۷۹). رجال کتاب حبیب‌السیر، گردآوری عبدالحسین نوایی، تهران: نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴. خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۸۰). حبیب‌السیر، زیر نظر دکتر محمد دبیر سیاقی، ج ۴، چاپ ۴، تهران: خیام.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۶. صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۰). گنجینه سخن، ج ۱، تهران: امیر کبیر.
۷. عباسی، جواد. (۱۳۷۹). جواهرالتفسیر، تفسیر ادبی، عرفانی، حرفی، شامل مقدمه‌ای در علوم قرآنی و تفسیر سوره حمد، تهران: میراث مکتوب.
۸. کاشفی سبزواری، فخرالدین علی. (۱۳۵۶). رشحات عین‌الحیات، به کوشش علی اصغر معینان، تهران: بینا
۹. مدرّس تبریزی، محمد علی. (۱۳۲۶). ریحانه‌الادب، جلد ۵، تهران: کتابفروشی خیام.
۱۰. ناصری داودی، عبدالحمید. (۱۳۷۸). تشیّع در خراسان عهد تیموری، مشهد: نشر بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۱۱. نظامی باخرزی، عبدالواسع. (۱۳۵۷). منشا الانشاء، به اهتمام رکن‌الدین همایون فرّخ، تهران: نشر دانشگاه ملی.
۱۲. نظامی عروضی، احمد بن عمر بن علی. (۱۳۷۶). چهار مقاله، به اهتمام محمد معین، تهران: صدای معاصر.

مقالات

۱. حضرتی، حسن، مقیمی، غلامحسن. (۱۳۷۷). «نگاهی اجمالی به حیات و اندیشه سیاسی کاشفی»، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۱۲۵، ۹-۱۵۱.

۲. عباسی، جواد. (۱۳۷۸). «گذری بر جواهرالتفسیر کاشفی سبزواری»، آینه میراث، شماره ۴،

۸۵-۸۴

۳. علامی، بهمن. (۱۳۹۲). «بررسی و معرفی نسخه خطی «ترسل و منشآت اسفزاری»،

هشتمین انجمن ترویج زبان و ادب...فارسی...ایران، زنجان: دانشگاه... زنجان، ۲-۵.

Introducing and reviewing the Sahife-ye-Shahi manuscript

Jalal Dehghani¹, Dr. Ahmad Zakeri²

Abstract

Noting and writing letters are of the routine manners in the history of Persian literature, and it's the general title for works, and books which involve rules, orders, friendly letters, responses, kings' charters, Promissory note, treaties, victory or defeat memories. Teymuriera, is one of the splendid and rich eras for writing notes. Writing notes and letters, in this era, is a touchstone to trade off the speech and writers' motives. Note of Sahife- Shahi (royal notebook) or Taghvim-al-Makatib(the calendar of letters) is one of the Notes in Teymuri era, which was written by Mullah Husain VaezKashefiSabzevari, writer and secretary at the royal court of Sultan Husain Baighara, and the author of some books such as Javaher-al-Tafsir, Anwar-e- Soheili, Rozah-al-Shohada, etc. the handwritten scripts of this book exist in Islamic Parliament's library, central library of university of Tehran, Melek library and some other libraries. As the historical and literature importance of the book of Sahife-Shahi, this paper tries to revive one of the Persian historical and literature heritages, besides providing an introduction of Notes' history and handwritten scripts in a descriptive-analytical manner.

Keywords:MullahHusain VaezKashefiSabzevari,Sahife-Shahi(Taghvim-al-Makatib), Notes, handwritten scripts, Teymuri era

¹ . Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Letterse and Humanities, , Islamic Azad University, Karaj Branch,karaj, Iran.

² . Associate Professor Department of Persian Language and Literature, Faculty of Letterse and Humanities, Islamic Azad University, Karaj Branch, karaj, Iran (Responsible Author)

Archive of SID